



دکتر محمد حسن لواسانی: اردوگاه ایران، تنها اردوگاه خارجی برای کمک به مردم آذربایجان در جنگ قره باغ بود

دکتر محمد حسن لواسانی رئیس جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی در سالهای جنگ اول قره باغ: در دوران جنگ اول قره باغ، به من به عنوان سرپرست هلال احمر آذربایجان شرقی، مسئولیت داده شد تا امکاناتی را که از طرف مردم ایران جمع آوری شده بود را از مرز آستارا منتقل کنیم. امکانات غذایی و سوختی در حدود ۱۰۰ تریلی بود. مردم باکو کلی استقبال کردند. در نهایت در میدان استقلال باکو، اجناس و کمک‌های ایران تحویل مقامات باکو شد.

آران نیوز - این مطلب، گفتگویی است با دکتر محمد حسن لواسانی رئیس سابق جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی در خصوص کمک های بشر دوستانه این سازمان در جنگ اول قره باغ؛

دکتر محمد حسن لواسانی نامی آشنا برای مردم استان آذربایجان شرقی است. وی از اطباء مشهور و خوشنام تبریزی است که از نیم قرن پیش در عرصه های مختلف لباس خدمت به تن کرده و از مداوای مجروحین ۸ سال دفاع مقدس گرفته تا امداد رسانی به زلزله زدگان و هلال احمر را می توان در کارنامه وی دید. به بهانه ی مسئولیت سنگین وی به عنوان رئیس جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی (۱۳۶۰-۱۳۷۳) که مقارن شده بود با کمک های ایران به مردم جنگ زده ی قراباغ، با وی گفتگویی انجام دادیم که تقدیم می شود:

آقای دکتر بفرمایید که جمعیت هلال احمر استان در جنگ نخست قراباغ چه کمک هایی را به مردم جنگ زده ی جمهوری آذربایجان داشته است؟

«کمک ایران به مردم جمهوری آذربایجان برمی گردد به حدودا زمانی که شوروی سابق در شرف تجزیه به چندین کشور بود و مردم مسلمان این کشور و به ویژه مردم نخجوان می آمدند در کنار رودخانه ارس و در کنار اعلام به اصطلاح استقلال خود، تقاضای کمک می کردند. و تنها کمک دهنده ی آن زمان، هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و خصوصا هلال احمر آذربایجان شرقی بود. ما مسئله را در جمعیت هلال احمر مطرح کردیم و امام جمعه وقت تبریز (مرحوم آیت الله ملکوتی) هم رفتند و صحبت کردند. این بزرگوار همچنین اجازه داد تا با هماهنگی هلال احمر مرکز، مردم با فرهنگ آذربایجان شرقی مخصوصا تبریز، مقدار زیادی کمک را آماده کردند که شامل اقلامی مانند: برنج، روغن، نیازهای سوخت اولیه و... بود. سپس آنها را منتقل کردیم به نخجوان. در نخجوان واقعا مورد استقبال مردم قرار گرفتیم که با صلوات و با تشویق آنها روبرو شدیم و این کمک ها با کمک معاونین هلال احمر، اعضای هلال احمر، مسئولین شهر و معاون خدمات اجتماعی وقت هلال احمر استان که قائم مقام نیز بودند و با راهنمایی حاج آقا صفوی که آن زمان نماینده ولی فقیه در هلال احمر بود که اکنون مرحوم شدند، به نخجوان رفتیم. در نخجوان ما کمک ها را تحویل یک موسسه خیریه ای که آنجا بود، دادیم که در مسجد جامع نخجوان مستقر بود. این مسجد قبل از حکومت کمونیستی فعال بود اما بعدا اجازه فعالیت به این مسجد ندادند و دوباره بعد از اینکه کمی استقلال پیدا کردند آن مسجد جامع را احیا کردند. ما کمک ها را بریدیم تحویل آن خیریه دادیم. یک تعداد از آنها را نیز همکاران هلال احمر و مسئولین وقت استانداری در دو منطقه «شورور» و «اردوباد» بودند، (زیاد حضور ذهن ندارم) بین معتمدین پخش کردند. آن زمان آقای حیدر علی یف (رئیس جمهور پیشین جمهوری آذربایجان) هم در نخجوان بود ما رفتیم باهاشون صحبتی کردیم و حیدر علی یف از ما و کمک های جمهوری اسلامی ایران قدردانی کرد.»

آیا کمک های ایران به مردم جمهوری آذربایجان، تنها معطوف به مردم نخجوان بود؟

«نه! در ادامه هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصمم شد که یک مقدار کمک هایی را نیز به مردم جمهوری تازه تاسیس آذربایجان و منطقه باکو انجام دهد. هلال احمر آذربایجان شرقی را مسئول کردند و حکم داده شد که بنده به عنوان سرپرست، امکاناتی که از طرف هلال احمر ایران و مردم استان های آذربایجان و هم مردم مناطق مختلف ایران جمع آوری شده بود و در حدود نزدیک به صد تریلی بود، را از طریق مرز آستارا منتقل کنیم. آن زمان هم تازه مرز بیله سوار مطرح بود البته هنوز به عنوان مرز بین المللی تحقق نیافته بود. با یک تعداد هم صحبت کردیم که ما از طریق مرز بیله سوار این کمک ها را ببریم. و به این بهانه بیله سوار استقرار گمرکی پیدا کند. خلاصه موافقت کردند و سفیر ایران در جمهوری آذربایجان و سفیر باکو در ایران، به عنوان استقبال کننده از این اکیپ به مرز آمدند. خاطریم است که سفیر ایران در جمهوری آذربایجان آقای نهاوندیان بود. ایشان آمدند سفیر آنها نیز حضور یافتند و ما امکانات را منتقل کردیم. امکانات غذایی و سوختی در حدود ۱۰۰ تریلی بود. خودتان می دانید که چقدر امکانات را می توانست شامل شود! به شهر باکو منتقل کردیم و در میدان انقلاب باکو مستقر شدیم و مردم باکو کلی استقبال کردند. آمدند و بازدید کردند و با پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران که بالای هر تریلی نصب شده بود. بنابه تقاضای خود مردم باکو به مدت یک روز و با یک عظمت خاص و وصف نشدنی، تریلی ها دور شهر حرکت کردند و مردم عجیب استقبال کردند. نمی توانم توصیفش کنم و در نهایت در میدان استقلال باکو، اجناس و کمک های ایران به مردم جمهوری آذربایجان، تحویل مقامات و نمایندگان که آنجا بودند، شد.»

هلال احمر آذربایجان شرقی در جنگ نخست قراباغ چه کمک های دیگری را به مردم جنگ زده داشتند؟

«در زمان جنگ قراباغ تعداد کثیری از مردم آذربایجان آواره شده بودند. بخصوص در مرز خداآفرین. ما براساس همدردی با مردم آن منطقه و با نظر مساعد جمهوری اسلامی و مقامات و با تشویق آیت الله ملکوتی، یک مقدار امکاناتی را برای آوارگان آن منطقه تدارک دیدیم. در مرحله اول آوارگان آنها را که در بیابان های آن منطقه بدون سرپناه و بدون امکانات از پیرزن و پیرمرد گرفته تا کودکان و زنان که در وضعیت بد تشنگی و گرسنگی قرار داشتند، ما تصمیم گرفتیم که با کمک هلال احمر چند تا اردوگاه برای اینها دایر کنیم. اردوگاه ها را در منطقه «آزادلو» و در منطقه «ایمیشلی»؛ با تجهیزات کامل ایجاد کردیم. آن اردوگاه طوری شد که از نظر امکانات آب و برق و تلفن و سوخت همه توسط دولت ایران ایجاد شد و مسئولیت هم تقریبا در مراحل اول به عهده هلال احمر آذربایجان شرقی بود که برادر بزرگوارم حاج آقا طاهری خیلی تلاش کردند. حاج آقا ملکوتی هم که خدا روحش را شاد کند، در تمام موارد در هلال احمر حضور پیدا می کردند و ما را تشویق می کردند.»

ایران از آغاز جنگ قراباغ، سیاست میانجیگری، تخلیه سرزمین های اشغالی و امدادسانی به جمهوری آذربایجان را انجام داد آقای دکتر کمک های پزشکی هلال احمر در این بحث چقدر بود؟

«کمک های ایران به مردم جنگ زده ی جمهوری آذربایجان معطوف به مواد غذایی و سوختی و مایحتاج ابتدایی نبود و اگر کمک های پزشکی و پزشکان ایرانی آنجا نمی بودند، وضعیت خیلی بغرنج تر می شد. زخمی های جنگی آنها برای مداوا به بیمارستان شهداء تبریز می آمدند. البته در این میان برخی از پزشکان جمهوری آذربایجان نیز برای آموزش می آمدند و پزشکان ایرانی برای آنها آموزش های لازم به ویژه عمل جراحی را می دادند. امکانات و تجهیزاتی که ایران به آن مناطق انتقال داد هم یک نکته مهمی بود. هر جنگی اتفاق بیافتد منجر به یک سری ضایعات مانند جانبازی و... می شود. آن زمان از طرف دفتر ایران در باکو نمایشگاه پزشکی دایر بود؛ شامل وسایل پروتز و ارتوپدی، فنی پروتز و دست و پای مصنوعی و... و همچنین فیزیوتراپی که در باکو در معرض نمایش قرار دادیم. و آن باعث شد که مجروحین و جانبازان آن منطقه از نمایشگاه بازدید کنند و از این تجهیزات استفاده کنند. ما در تبریز تلاش کردیم و ارتوپدی هلال احمر را به نحو احسن تجهیز کردیم و یک سری نیروهای جوان را استخدام کردیم و دوره های آموزشی فرا گرفتند و به پروتز و کفش های طبی و دست و پاهای مصنوعی کاملا مسلط شدند و همچنین تجهیز فیزیوتراپی هلال احمر آذربایجان شرقی که واقعا یکی از فیزیوتراپی های خوب کشور است.»

آقای دکتر به نظر شما نظر مردم عادی جمهوری آذربایجان درباره ایران چگونه است؟

«مردم عادی آذربایجان که به عنوان گردشگر به تبریز می آیند یا گردشگری پزشکی که جهت مداوا به بیمارستان های تبریز مراجعه می کنند، واقعا همیشه شاکر هستند و می گویند که در زمان سخت زندگی ما آن زمان جمهوری اسلامی به ما خیلی کمک کرد. هم از طریق هلال احمر و هم مردم ایران. یعنی تا آنجایی که من اطلاع دارم بیمارانی که مراجعه می کردند و همراهان آنان به تبریز می آمدند خیلی شاکر هستند. از نظرکمک هایی که آن زمان جمهوری اسلامی به آنها کرده و بقول معروف آن ذهیت برای آنان هست و همیشه معتقدند. شاید آن نسل الان مسن شده اند اما همان را هم به عنوان تاریخ مساعده های مردم غیور ایران و آذربایجان شرقی به نسل های بعدی و کودکان خود منتقل کرده اند.»

آقای دکتر شما که چندین بار به باکو تشریف برده بودید، درباره مردم آن دوران، اطلاعاتی در اختیار مخاطبان قرار دهید؟

«نگارش آنها آن زمان روسی بود اما گویش آنها آذری بود. در گوشه و کنار جماعت اعتقادشان را نگه داشته بودند حتی تمام مراسمات دینی مسلمان ها را انجام می دادند. به عاشورا و...; ماه مبارک رمضان دقیقا معتقد بودند و حتی در شرایط سخت دینشان را حفظ کرده بودند و این خیلی ارزشمند بود. مردم جمهوری آذربایجان خیلی سلیق مشترکی با ما ایرانی ها دارند. از نظر تاریخی، از نظر دینی! مخصوصا آن چیزی که ما را به هم ارتباط می دهد دین اسلام و مذهب تشیع است. من یادم هست که مردم چقدر تشنه ی دین بودند. اصلا وقتی که یک کلام الله مجید می بردند، آنها خیلی احترام می گذاشتند و نگاه می کردند و اشک از چشمانشان سرازیر می شد! چون سالها بود که اصلا نمی گذاشتند آنها قرآن را در دستشان بگیرند.»

آقای دکتر تنها اردوگاهی که آنجا دایر بود از طرف ایران بود یا کشورهای دیگر هم حضور داشتند؟

«تنها اردوگاه مربوط به کشور ما بود. یک مدت هلال احمر آذربایجان شرقی اداره کرد. در رفت و آمد بودیم و بعد از مدتی به دلیل استان شدن اردبیل سعی کردند که به استان اردبیل منتقل کنند. هلال احمر جمهوری اسلامی برای اداره خودش اکیب فرستاد. اما پایه گذار ما بودیم. آذربایجان شرقی به عنوان یک قطب بزرگ کمک رسانی به عنوان نماینده ی ملت ایران به مردم جنگ زده ی جمهوری آذربایجان مطرح بود.»

منبع : azarpazhoh

گفتگو از: فاطمه داداشی